

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه چهارم : ضرورت امنیت

۹۴/۸/۲۸

خلاصه جلسه سوم:

- ۱- طبع اولیه بشر پس از رسیدن به بلوغ فکری این است که حاکمیت هیچ بشری را بر نمی تابد.
- ۲- اصل فقهی: عدم ولایت هر فردی بر دیگری
- ۳- تأملات عقلانی و عقلائی او را به حاکمیت دیگری برانگیخت
- ۴- ولایت اولاً و بالذات از آن خداوندی است که مالک بشر است.
- ۵- خداوند این ولایت را به خلفای خود که پیامبران و ائمه معصومان هستند اعطا کرده است.

پس از پیامبر نیز ولایت برای امیر المؤمنین و امامان معصوم علیهم السلام اثبات شده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي وَ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ بَعْدِي فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيُوَالِ وَلِيَّهُ فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي وَ هُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَمِيرُ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي قَوْلُهُ قَوْلِي وَ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ نَهْيُهُ نَهْيِي وَ تَابِعُهُ تَابِعِي وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي وَ خَاذِلُهُ خَاذِلِي ثُمَّ قَالَ ع مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا بَعْدِي لَمْ يَرْنِي وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَأْوَاهُ النَّارَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ وَ مَنْ خَذَلَ عَلِيًّا خَذَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ يُعْرَضُ عَلَيْهِ وَ مَنْ نَصَرَ عَلِيًّا نَصَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَقْنَهُ حُجَّتَهُ عِنْدَ الْمُسَاءَلَةِ ثُمَّ قَالَ ع الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أُمُّهُمَا سَيِّدَةُ الْعَالَمِينَ وَ أَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ أَيْمَّةٌ تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي -

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

سند روایت صحیح است

- محمد بن علی ماجیلویه از اساتید شیخ صدوق است که بالغ بر ۹۰۰ روایت از او در کتبش نقل کرده است.
- علی بن معبد نیز بنابر تحقیق ثقه است چون ابراهیم بن هاشم بالغ بر ۷۰ روایت از او نقل کرده است که ۴۵ روایت آن به نقل از علی بن ابراهیم بوده و حسب نقل شیخ طوسی او دارای کتابی بوده که ابراهیم بن هاشم واسطه در نقل این کتاب است. (الفهرست، ص ۲۶۵)
- حسین بن خالد صیرفی نیز از جمله افرادی است که مشایخ ثلاثه (صفوان، بزنتی و ابن ابی عمیر) از او روایت کرده‌اند.
- بنابر این، سند روایت با توجه به تحقیقات مذکور صحیح است.

طبق نظریه ولایت فقیه امام خمینی مؤسس جمهوری اسلامی ایران، این ولایت در زمان غیبت به ولی فقیه زمان خود سپرده شده است که از بین فقها توسط خبرگان رهبری انتخاب می‌شود.

- این نظریه نه تنها دارای ادله عقلی و نقلی استواری است بلکه به عنوان یک نظریه سیاسی ثبات و کارآمدی خود را طی بیش از سی سال که از انقلاب گذشته نشان داده است.

- بنابر این نظر، اسلام داعیه‌دار حکومت است تا در سایه آن احکام الهی اجرا شود و هرج و مرج نشود و موجبات اختلال نظام اسلامی پیش نیاید و امنیت در مرزها برقرار باشد و از تهاجم دشمن اسلام جلوگیری شود

- پس همان دلیلی که عقلاً دلالت بر لزوم امامت می‌کند بعینه دلالت بر لزوم حکومت در عصر غیبت دارد. بسط عدالت، و تعلیم و تربیت و حفظ نظم و رفع ظلم و ایجاد امنیت در مرزها و جلوگیری از حمله اجانب از جمله ادله واضح عقلی برای لزوم حکومت است.

با این بیان روشن شد که یکی از ادله عقلی ضرورت حکومت و ولایت، ضرورت امنیت است. یعنی ما به این دلیل به ولایت و حکومت نیازمندیم که به امنیت برسیم. اگر حکومت امری ضروری است بنابر این به دلالت التزامی ثابت می‌شود که معلول آن یعنی امنیت نیز امری ضروری است.

این دلیل عقلی به ادله شرعی نیز تأیید گردیده است. از آن جمله در ذیل فرمایش منقول از حضرت امیر ذکر گردید که یکی از دلایل لزوم امارت و حکومت، دستیابی به امنیت است:

... وَ يُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى

يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ (نهج البلاغة، صبحی صالح، ص ۸۲)

همچنين در روايتي از مرحوم صدوق آمده است:

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِوَسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ... فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ وَ لَمْ جَعَلَ أُولَى الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قِيلَ لِعَلِّ كَثِيرَةٍ مِنْهَا أَنَّ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَدِّ مَحْدُودٍ وَ أَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا تِلْكَ الْحُدُودَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَمِينًا يَأْخُذُهُمْ بِالْوَقْتِ عِنْدَ مَا أُبِيحَ لَهُمْ وَ يَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّي عَلَى مَا حَظَرَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لَدَّتَهُ وَ مَنْفَعَتَهُ لِفَسَادِ غَيْرِهِ فَجُعِلَ عَلَيْهِمْ قِيَمٌ يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ يُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ مِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَ رَيْسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا فَلَمْ يَجْزُ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتْرُكَ الْخَلْقَ مِمَّا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ وَ لَا قِيَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَيُقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَ يَقْسِمُونَ بِهِ فَيَتَّهِمُونَ وَ يُقِيمُونَ بِهِ جُمُعَتَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ يَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

همچنين در روايتي از مرحوم صدوق آمده است:

وَ مِنْهَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لِدَرَسَةِ الْمِلَّةِ وَ ذَهَبِ الدِّينِ وَ غَيَّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ لَزَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ إِذْ قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَاجِينَ غَيْرَ كَامِلِينَ مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشَتَّتِ حَالَاتِهِمْ فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ فِيهَا قِيَمًا حَافِظًا لَمَّا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ الْأَوَّلُ لَفَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيَّنَّاهُ وَ غَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ الْإِيمَانُ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ... حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِوَسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قُلْتُ لِلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ لَمَّا سَمِعْتُ مِنْهُ هَذِهِ الْعِلَلَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذِهِ الْعِلَلَ الَّتِي ذَكَرْتَهَا عَنِ الْإِسْتِنْبَاطِ وَ الْإِسْتِخْرَاجِ وَ هِيَ مِنْ نَتَائِجِ الْعَقْلِ أَوْ هِيَ مِمَّا سَمِعْتَهُ وَ رَوَيْتَهُ فَقَالَ لِي مَا كُنْتُ أَعْلَمُ مُرَادَ اللَّهِ بِمَا فَرَضَ وَ لَا مُرَادَ رَسُولِهِ ص بِمَا شَرَعَ وَ سَنَّ وَ لَا أَعْلَلُ ذَلِكَ مِنْ ذَاتِ نَفْسِي بَلْ سَمِعْنَا مِنْ مَوْلَايَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ وَ الشَّيْءَ بَعْدَ الشَّيْءِ فَجَمَعْتُهَا فَقُلْتُ فَأُحَدِّثُ بِهَا عَنْكَ عَنِ الرِّضَا ع فَقَالَ نَعَمْ (علل الشرائع، ج ١، صص: ٢٥١ و ٢٥٢-٢٥٥ و ٢٧٢-٢٧٥)

- سند روایت بنابر تحقیقات رجالی در برنامه درایه صحیح است. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس از مشایخ صدوق است و علی بن محمد بن قتیبه مورد اتکای کشی بوده و کشی از او روایات زیادی نقل کرده است. فضل بن شاذان از بزرگان شیعه اصحاب ائمه علیهم السلام بوده است.
- از این روایت چنین بر می آید که یکی از ضرورتهای نیاز به حاکم و والی این است که اگر کسی خواست از حدود خودش خارج شود و به حقوق دیگران تجاوز کند جلو او را بگیرد. این امر اشاره به امنیت اجتماعی دارد
- و همچنین در فقره دیگری به جلوگیری از حمله دشمنان اشاره کرده که ناظر به حفظ نظام اسلامی و امنیت ملی است.

- اشکال: استدلالی که در روایت از ضرورت امنیت به ضرورت حکومت است و نه برعکس. ما در اینجا استدلال می‌کنیم که حکومت ضرورت دارد چون امنیت ضرورت دارد. حال اگر کسی ضرورت امنیت را مستند و مستدل به ضرورت حکومت کند این دور در استدلال است.
- جواب: بله در این روایت ضرورت امنیت دلیل ضرورت حکومت برشمرده شده است. وجه استدلال این است که معلوم می‌شود که ضرورت امنیت امری واضح و بدیهی است که مقدمه در استدلال قرار گرفته است. به همین دلیل است که برای امر دیگری که نظری و مورد پرسش است یعنی ضرورت امارت و حکومت بر آن استدلال شده است. به عبارت دیگر ضرورت دفاع در برابر دشمنان خارجی و ظلم ظالمان داخلی آن قدر واضح است که می‌توان از آن برای ضرورت امارت و حکومت استدلال کرد.

ضرورت امنیت:

– نتیجه گیری:

– با این توضیحات روشن شد که ضرورت امنیت به معنای جلوگیری از حمله دشمنان خارجی و ظلم ظالمان داخلی و مانند آن از بدیهیات عقلی است. یکی از وظائف حاکمان ایجاد امنیت ملی و امنیت اجتماعی در کشور است.

معنای لغوی امنیت از ریشه امن است و این ریشه لااقل چهار استعمال شایع دارد:

۱ - به معنای اطمینان و در مقابل خوف به معنای ترس و نگرانی بکار می‌رود. اَمِنَ به معنای آرامش داشتن و نگران نبودن در این معنا فعلی لازم است و امنیت حالتی در انسان است که از آن به اطمینان خاطر و سکون قلب تعبیر می‌شود. در قرآن آمده است:

وَلَيَبْذِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا (النور: ۵۵)

و خداوند هراسشان را به امنیت تبدیل کند

۱- به معنای اطمینان و در مقابل خوف به معنای ترس و نگرانی بکار می‌رود. اَمِنْ به معنای آرامش داشتن و نگران نبودن در این معنا فعلی لازم است و امنیت حالتی در انسان است که از آن به اطمینان خاطر و سکون قلب تعبیر می‌شود. در قران آمده است:

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا إِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (البقرة: ۲۳۹)

پس اگر هراسان بودید (در حال حرکت) پیاده یا سواره نماز بخوانید و اگر ایمن بودید پس خدا را یاد کنید (و نماز را به طور معمول بخوانید) که آنچه نیاموخته بودید به شما آموخت.

زمخشری در اینجا «أَمِنْتُمْ» را به زوال خوف تفسیر کرده است. (الکشاف).

ج ۱، ص ۲۸۸) بنابر این امن در مقابل خوف است.

۲- اَمِنْ با حرف جرّ «مِنْ» یا به صورت متعدی بنفسه بکار می‌رود و به معنای در سلامت بودن و در امان بودن از خطر و صدمه چیز است. در قران آمده است:

أَوَ اٰمِنَ اَهْلُ الْقُرَىٰ اَنْ يَّاتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُوْنَ (۹۸) اَفَاٰمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ (الأعراف: ۹۹)

آیا اهالی آبادی‌ها ایمن شدند که عذاب ما هنگام روز وقتی که سرگرم بازی‌ها بر سرشان فرود آید. * آیا از مکر خدا در امانند پس هیچ کس خود را از مکر خدا در امان نمی‌داند مگر مردم زیانکار

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ اٰمِنُوْنَ (النمل: ۸۹)

- هر کس نیکی بیاورد بهتر از آن را مالک شود و از وحشت در آن روز در امان است.

والحمد لله رب العالمين